

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### ناآرامی‌ها و آشوبها به مثابه یک بیماری

پیرامون اتفاقات اخیر در جامعه این نکته قابل توجه و حائز اهمیت است که ناآرامی‌ها و آشوبها برای جامعه ما حکم یک بیماری را دارد. کسی که بیمار می‌شود، قطعاً ضعفها و نقاط نفوذپذیری در او وجود داشته، که عامل ایجادکننده بیماری از قبیل میکروب یا ویروس توانسته است از آن نقاط وارد پیکر او شود، تکثیر شود، او را بیمار کند و از پا بیندازد؛ و چه بسا آن شخص در اثر آن بیماری از دنیا برود. در نتیجه وقتی کسی بیمار شد، دو کار باید بکند: از یکسو باید نقاط ضعف و نفوذپذیر خود را ترمیم کند و از بین ببرد، تا میکروب و ویروس نتواند از آن نقاط، وارد بدن او شود و ایجاد بیماری کند. از سوی دیگر، باید آن عوامل بیماری‌زا، یعنی میکروب و ویروس را به هر تمهیدی شده، از بین ببرد. این دو کار، هر دو ضروری است.

در مورد جامعه نیز وقتی نظام سیاسی آن دچار بحران‌هایی همانند بحران فعلی جامعه ما می‌شود، به همین دو نکته باید توجه کرد. در وهله نخست، باید توجه داشت که حتماً ضعفها، ناکارآمدی‌ها و فسادهایی در مدیریت کشور وجود داشته که این شرایط پیش آمده است. اینها نقاط آسیب‌پذیر نظام است؛ جاهایی است که خلاف توقع مردم است؛ آنها را رنجیده‌خاطر می‌کند و مستعد می‌سازد که مورد تحریک واقع شوند. وقتی این بحران‌ها و آشوبها به پا می‌شود، اولین نکته‌ای که مدیران جامعه باید به آن توجه کنند، این است که ما چه ضعف و ایرادی داشتیم که دشمن توانست از آن استفاده کند؟ چه چیز سبب شد که مردم ناخرسند و ناراحت باشند و دشمن بتواند از آن نارضایی و ناراحتی سوءاستفاده کند و موضوعی را پیراهن عثمان کند و جامعه را توسط عوامل سرسپرده و مزدور خود بر هم بریزد؟ این مسأله مهمی است که گاه مورد غفلت قرار می‌گیرد. دیشب برای نماز به مسجد محله مان رفته بودم. بعد از نماز، روحانی‌یی که مسؤولیتی هم در یکی از سازمان‌ها دارد، به منبر رفت و

صحبت کرد؛ از اوّل تا آخر سخنش، طرف مقابل را می‌کوبید؛ به این نکته اصلاً توجه نداشت که در این طرف، ما چه عیب و ضعفی داشته‌ایم که جامعه را برای بروز چنین بحران‌هایی مستعدّ کرده است. این روش درستی نیست.

### منصفانه قضاوت کنیم

قبلاً هم اشاره کرده‌ام؛ وقتی یک پدیده را بررسی می‌کنیم و می‌خواهیم آن را مورد داوری قرار دهیم، حتماً باید هم جنبه‌های مثبت آن و هم جنبه‌های منفی آن، هر دو را ببینیم. قرآن کریم وقتی می‌خواهد دربارهٔ شراب و قمار صحبت کند، می‌فرماید: ای پیامبر! از تو در مورد شراب و قمار سؤال می‌کنند. قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ: به آنها بگو در این دو، گناه بزرگ و خسارت‌های عظیمی است؛ اما منفعت‌هایی هم دارند. بالاخره کسی که شراب می‌خورد، شنگول می‌شود؛ غم و غصّه‌هایش از یادش می‌رود و ...؛ اما خسارت‌ها و گناهانش بزرگ‌تر از منافعش است. همانطور که ملاحظه می‌کنید، خدا به همین شیوه به موضوع شراب و قمار نگاه می‌کند؛ خسارت‌های آنها را با منافع آنها مقایسه می‌کند و بعد نتیجه می‌گیرد که باید آنها را ترک کرد؛ چون خسارتشان بزرگ‌تر است. نه اینکه یک‌سره خسارت‌ها را بگوید و آثار مفید را نگوید.

به قول حافظ «عیب می‌جمله بگفتی؛ هنرش نیز بگو!» یعنی منصفانه حرف بزن. یک‌سره طرف مقابل را نکوب، برگرد و خودت را هم نقد کن. ضعف‌هایی را هم که در عملکرد خودت بوده، بگو! اشتباهات، خطاها، جهالت‌ها، تعصّب‌ها و فسادها و دیگر چیزهایی که بوده و منجر به مستعد شدن جامعه برای بروز چنین بیماری‌هایی شده، قدری هم از آنها بگو! خودت را تصحیح و اصلاح کن! این یک جنبه. جنبهٔ دوم هم اینکه به‌هرحال با این میکروب و ویروس باید مبارزه کرد. نمی‌توان جامعه را به دست آشوبگرها داد، تا آشوب‌ها جامعه را نابود کنند، در کلّ کشور ناامنی ایجاد کنند، کشور را تجزیه کنند و آن را به ویرانه‌ای مبتدل سازند؛ همان چیزی که نمونه‌اش در کشورهای دیگر منطقه‌مان اتّفاق افتاد.

پس هم مقابله با میکروب‌ها و ویروس‌ها ضروری است؛ هم پرداختن به برطرف کردن عیب‌های خودمان و نقاط آسیب‌پذیری که در نظاممان هست، هر دوی اینها ضروری است.

### ضرورت شناخت و تفکیک دشمن مزدور از فریب‌خوردگان

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم، این است که همه کسانی را که به هیجان می‌آیند و در خیابان‌ها شعار می‌دهند، نباید دشمن مزدور تلقی کنیم. تعداد زیادی از آنها اشخاصی تحریک شده هستند؛ دلخوری‌یی از عملکردهای نظام و دولت‌مردان و حاکمان داشته‌اند و با موضوعی که پیش آمده، دشمن، آنها را تحریک کرده و به خیابان کشانده و اکنون دارند شعار می‌دهند و ... همه اینها را دشمن تلقی نکنیم و با همه مثل دشمن مواجه نشویم.

فرق است بین کسی که اشتباه می‌کند با کسی که عمداً کار خلاف می‌کند. در ماجرای مقابله امیرالمؤمنین علیه السلام با معاویه و با خوارج نهروان، حضرت همین را فرمودند. فرمودند: لَيْسَ مَنْ أَرَادَ الْحَقَّ فَأَخْطَأَهُ كَمَنْ أَرَادَ الْبَاطِلَ فَأَصَابَهُ: کسی که دشمن نیست، حق را اراده کرده، نیت درستی دارد، سوء نیت ندارد؛ اما در تشخیص حق دچار خطا شده است، با کسی که آگاهانه و عمدانه چیزی را که خلاف است، انجام می‌دهد، مساوی نیست؛ ولو اینکه از خوارج نهروان باشد. بنابراین باید در این جمع، این دو گروه را از یکدیگر تفکیک کرد؛ کسانی که نیت خوبی داشتند، دشمن، مزدور و حقوق‌بگیر دشمن نبودند؛ اما خطا کردند، اشتباه کردند، گول خوردند و تحریک شدند، اینها یکسان نیستند با کسانی که عمدانه از دشمن مأموریت می‌گیرند برای نابود کردن نظام اسلامی و حکومت دینی و برای تجزیه کشور بزرگ و مقتدری مثل ایران به کشورهای بسیار کوچکی که به راحتی بشود سرکوبشان کرد و آنها را تحت استعمار درآورد. این دو گروه یکسان نیستند و لذا با این دو گروه باید به دو شیوه مواجه شد؛

## مواظب باشیم کثرت السّواد نباشیم

منتها همان گروهی که دشمن نیستند و به هیجان آمده‌اند، بدانند که آنها هم تبعات این اشتباهشان را متحمل خواهند شد. اینگونه نیست که ما چون به هیجان آمدیم و سوء نیت نداشتیم، پیامد کارهایمان به ما برنگردد. بله، برمی‌گردد. گرچه ما با کسانی که عمداً برای ویرانی و تجزیه کشور و نابودی دین و نظام دینی به میدان آمدند، متفاوتیم؛ اما سیاهی لشکر دشمن شدیم. سیاهی لشکر کسانی شدیم که می‌خواستند ایران، اسلام و حاکمیت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را در این کشور از بین ببرند؛ و این سیاهی لشکر شدن، هم در دنیا و هم در آخرت برای ما پیامد دارد. ماجرای کثرت السّواد را که سیدبن طاووس در لهوف نقل کرده است، در بحث‌های عاشورایی برایتان گفته‌ام. فردی نابینا شد. رفیقش از او پرسید چه شد؟! تو که چشم‌های سالمی داشتی! ماجرا را تعریف کرد؛ گفت: در عالم رؤیا دیدم پیامبر اکرم ﷺ نشسته‌اند و یک طشت پر از خون در مقابلشان است؛ من را صدا زدند و فرمودند چرا به کربلا رفتی؟ عرض کردم: من که برای جنگیدن به کربلا رفتم! نه شمشیری، نه نیزه ای، نه خنجر، نه تیری، نه کمانی؛ هیچ چیز با خودم نبردم. در روز عاشورا هم من ننگیدم. من نجار بودم. سپاه عمر سعد مرا برده بودند که چوب‌های خیمه و وسایل دیگری که خراب می‌شد را درست کنم. من آنجا کار دیگری نکردم. حضرت فرمودند: بله، اگر جنگیده بودی که حسابت فرق می‌کرد! اما همین که تو با سپاه عمر سعد رفتی، سیاهی لشکر آنها شدی؛ با بودن تو تعداد آنها بیشتر نشد؟ فرمودند: کثرت السّواد: تو سیاهی لشکر آنها را زیاد کردی. او گفت: بعد حضرت انگشت‌هایشان را در آن طشت خون کردند و بر دو چشم من گذاشتند، و من از خواب که بیدار شدم، دو چشمم نابینا بود. آری، کثرت السّواد که هست! ولو با نیت خوب هم رفتی؛ اما سیاهی لشکر دشمن که شدی! لذا پیامد دارد. پس کسانی که اینگونه به میدان آشوب‌ها می‌روند، باید بدانند کارشان پیامد دارد؛ لیکن کسانی که می‌خواهند با آنها مواجه شوند، باید حساب آنها را از حساب آن گروهی که دشمنند، پول گرفته‌اند، مأموریت دارند و از یک فرماندهی، مثل منافقین یا در رأس آنها از سازمان‌های جاسوسی آمریکا و

انگلیس و اسرائیل دستور گرفته‌اند، جدا کنند. اینها حسابشان با هم فرق دارد. مدیریت جامعه و مردم باید با اینها دو گونه رفتار کنند؛ اما خود کسانی که سیاهی لشکر می‌شوند، باید بدانند که کارشان بی پیامد نیست. هم پیامدهای دنیوی برایشان خواهد داشت و هم پیامدهای اخروی. امیدواریم خدای متعال عنایت کند این ناآرامی‌ها هرچه زودتر به آرامش تبدیل شود؛ نظام به ناکارآمدی‌ها، ضعف‌ها، اشتباهات و فسادهایی که وجود دارد، اعتراف کند و در صدد تصحیح برآید و نشانه‌های این تصحیح را مردم ببینند و رنجیده‌خاطری‌ها از بین بروند و متقابلاً دشمنان و مأموران بسیج‌شده دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و اسلام و ایران هم هرچه زودتر مهار شوند و میدان بر آنها بسته شود تا نتوانند چنین آشوب‌هایی به راه بیندازند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ